

تحلیل گفتمان شعرهای کوتاه سید حسن حسینی

محمدصادق رحمانیان (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی؛ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب)

منصوره ثابت زاده* (استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب؛ نویسنده مسئول)

کامل احمدنژاد (استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب)

چکیده: تحلیل انتقادی گفتمان نوعی رویکرد بین رشته‌ای است و، با تجزیه و تحلیل متن، در پی عرضه خوانشی نسبتاً دقیق از آن است. نویسندگان این پژوهش بر آن اند تا، با بهره‌گیری از روش تحلیل انتقادی گفتمان، انعکاس مسائل سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و... را در شعرهای کوتاه سیدحسن حسینی بیابند و به چگونگی رابطه متقابل شعر (به مثابه متن) و جامعه و تبیین آن بپردازند. در این پژوهش، از میان رویکردهای متفاوتی که درباره تحلیل گفتمان وجود دارد، از روش «تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف» استفاده شده است؛ چراکه، به باور بسیاری از تحلیلگران، جامع‌تر از دیگر روش‌ها به نظر می‌رسد. روش فرکلاف مبتنی بر سه سطح است: کنش متنی (توصیف)؛ کنش گفتمانی (تفسیر)؛ و کنش اجتماعی (تبیین). در این مقاله، شعرهای کوتاه حسینی، به صورت گزینشی، از مجموعه شعر نوش داروی طرح ژنریک بررسی و تحلیل شده است تا مؤلفه‌های گفتمان‌مدار شعرها در سه سطح تحلیل محتوایی و صوری و اجتماعی بیان شود. در این تحلیل مشخص شد ویژگی‌های صوری زبان شعر حسینی — نظیر آواها، واژه‌ها، فعل‌ها، روابط معنایی، عبارت‌بندی‌ها، و انسجام صوری و معنایی — دارای ارزش و بار گفتمانی است و به شعرش جنبه عقیدتی می‌دهد. بنابراین، هدف پژوهشگر تبیین نوع گفتمان‌های موجود در شعر حسینی و چگونگی پیوند آن با ساختارهای اجتماعی جامعه است. در نتیجه، گفتمان‌های غالب در شعر سیدحسن حسینی عبارت‌اند از: گفتمان اجتماعی، فرهنگی، اخلاق‌گرایانه، و سیاسی. بارزترین گفتمان در شعر او گفتمان اجتماعی انقلاب‌محور است. **کلیدواژه‌ها:** شعر کوتاه، شعر انقلاب اسلامی، زبان‌شناسی، تحلیل انتقادی گفتمان، نوش داروی طرح ژنریک، سیدحسن حسینی.

۱. مقدمه

نظریه‌ای که، در دهه‌های اخیر، اقبال پژوهشگران نقد ادبی را برانگیخته «تحلیل انتقادی گفتمان» است. نقد زبانی و تحلیل انتقادی گفتمان، با «ادبیات»، از طریق تحلیل متون ادبی و سبک‌شناسی و نقد ادبی مرتبط است. بنابراین، روش پژوهش حاضر مبتنی بر نظریه «تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف»^۱ است. رویکرد تحلیل متون ادبی و نیز کشف و تحلیل نگرش شاعران معاصر، با توجه به بافت زمینه‌ای و موقعیت اجتماعی-سیاسی از منظر تحلیل گفتمان، می‌تواند بسیار کارآمدتر و مؤثرتر باشد. سیدحسن حسینی از جمله شاعران انقلاب اسلامی است که توانسته، در شعرهای کوتاه خود، به‌ویژه در نوش‌داروی طرح ژنریک، میان متن و بافت ارتباط برقرار کند. شعر کوتاه -با ویژگی‌هایی چون فشردگی و حجم کم کلمات، طرح ساده و آشکار، بی‌پیرایگی زبان، واقع‌گرایی، و نیز توجه به طبیعت و دغدغه‌های اجتماعی- در مقایسه با دیگر گونه‌های شعر سنتی ما، که اصولی سخت‌گیرانه پیش چشم شاعر می‌گذارد، خواستاران بیشتری را به‌سمت خود جلب کرد. شعرهای کوتاه حسینی ویژگی‌های صوری سرخ‌گونه و لازم را، برای انتقال به بافت زمینه‌ای و تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و نهایتاً جنبه‌های تفکر حاکم بر شعر او، به خواننده می‌دهد. از این رو، شعر حسینی، از نظر زبان‌شناسی و نقد ادبی، شایستگی تحلیل براساس رویکرد گفتمان انتقادی را دارد.

۲. بیان مسئله

درهم‌تنیدگی محیط و شعر ازجمله موضوع‌های مناقشه‌انگیز میان پژوهشگران بوده‌است. عده‌ای از ناقدان ادبی به بررسی موضوع‌های اجتماعی-سیاسی در حوزه ادبیات خلّاق باور ندارند؛ اما عده‌ای دیگر، به‌ویژه ناقدان جامعه‌شناختی ادبیات، پیوند میان ادبیات و محیط اجتماعی را ناگسستنی و انکارناشدنی می‌دانند و بر این باورند که شاعران با سرودن این‌گونه شعرها می‌کوشند یا خود را در گفتمان حاکم سهیم کنند یا خود را مخالف گفتمان حاکم نشان دهند. بازتاب موضوعات اجتماعی-سیاسی در دوره‌های گوناگون ادبی ایران پیشینه‌ای گسترده دارد. همچنین، همگامی مسائل اجتماعی-سیاسی و ادبیات، در صد سال اخیر، سمت و سویی وسیع‌تر یافته‌است. ورود ایران به جهان نوین، پشت‌سرنهادن انقلاب مشروطه و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، و نیز ظهور انقلاب اسلامی سبب شده‌است شعر معاصر جلوه‌گاه اندیشه‌های اجتماعی-سیاسی شاعران شود؛

1. Fairclough, Norman

تابدان جاکه در دوره‌هایی از نقد ادبی میزان توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی روز و طنین آن در اشعار شاعران معیار رد و قبول شعر آنان شد. این نوع شعر و میزان توجه بدان نشان از آن دارد که میان شعر و محیط اجتماعی-سیاسی رابطه متقابل وجود دارد و هرکدام بر دیگری و تولید و بازتولید همدیگر تأثیر دارند؛ به گونه‌ای که جامعه‌گرایی و پرداختن به مسائل اجتماعی وجه غالب شعر در میان شاعران معاصر و یکی از معیارهای پسند و مقبولیت شعر شده است. به همین دلیل، نمی‌توان زبان و خیال و احساس و عواطف را، بدون توجه به محیطی که در آن شکل گرفته‌اند، بررسی کرد. بی‌گمان، شعرهای کوتاه سیدحسن حسینی از محیط اجتماعی پس از انقلاب تأثیر پذیرفته و او اندیشه‌ها و تجربه‌های اجتماعی خود را در شعر بازتاب داده است. از همین روی، می‌کوشیم، با بهره‌بردن از رویکرد «تحلیل انتقادی گفتمان»، پیوند میان اشعار سیدحسن حسینی و موضوعات اجتماعی پس از انقلاب را بررسی و تحلیل کنیم.

۳. پرسش‌های تحقیق

- (۱) شعرهای سیدحسن حسینی به چه میزان انقلاب‌محور است و چگونه با ساختار جامعه پیوند می‌یابد؟
- (۲) اندیشه‌های سیاسی حسینی چه میزان در افشای ناهنجاری‌های اجتماعی نقش داشته است؟
- (۳) شعر حسینی با چه نوع گفتمان‌هایی در تعامل است و این تعامل‌ها چه تأثیری بر زبان شعر او نهاده است؟

۴. اهداف پژوهش

- (۱) تبیین جامعه‌محوری شعر سیدحسن حسینی و چگونگی پیوند آن با ساختار جامعه.
 - (۲) تبیین نقش اندیشه‌های او در میزان نشان‌دادن هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی.
 - (۳) تبیین نوع گفتمان شعر سیدحسن حسینی.
- اهمیت شعر کوتاه سیدحسن حسینی از آنجاست که این گونه شعری، نه تنها در میان موج‌های شعری پس از انقلاب اسلامی رشد زایدالوصفی داشته است، در میان شعرهایی با رویکرد اجتماعی و فرهنگی نیز جریانی بی‌سابقه یافته و روزبه‌روز بر شمار علاقه‌مندان این عرصه افزوده می‌شود. حسینی توانست، با انتقال تجربه‌های شاعرانه خود در زمینه شعر کوتاه به نسل هم‌روزگار و پس از خود، و با عرضه قالب‌های شعر کوتاه در دهه آغازین انقلاب، مضمون‌های اجتماعی را با شعر سازگار کند و به نوعی این شعرها را، به دلیل کوتاهی و شتابی که در خود دارند، در ذهن و زبان مردم به راحتی جای‌گیر سازد. مهم‌ترین خصوصیت زبان، در شعرهای کوتاه حسینی، آگاهی

او از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های معنایی واژه‌ها و توجه به مناسبات و روابط معنایی آن‌ها و معانی چندگانه‌شان است.

درون‌مایه‌های طنز در سه کتاب سیدحسن حسینی به نام‌های براده‌ها، نوش‌داروی طرح ژنریک، و فستیوال خنجر مشاهده می‌شود و هرسه مجموعه از کوتاه‌ترین شعرهای او شکل گرفته‌است. مسئله این است که شعر کوتاه ایران پس از انقلاب اسلامی فرایند فزاینده رشد را طی کرده، اما تعریفی دقیق از آن به دست نیامده‌است.

۵. روش پژوهش

بنیان این پژوهش بر پایه تحلیل انتقادی گفتمان است و، به روش کتابخانه‌ای، به توصیف و تبیین و تحلیل پرداخته‌است. جامعه آماری این پژوهش مجموعه شعر نوش‌داروی طرح ژنریک است و، از آن میان، نه شعر کوتاه انتخاب شده و در هرکدام به یکی از گفتمان‌های رایج در شعر سیدحسن حسینی پرداخته شده و میزان تأثیرگذاری‌شان بر زبان شعر او نشان داده شده‌است. آنچه حائز اهمیت است نوع نگرش سیاسی-اجتماعی حسینی است که او را در کنار گفتمان انقلاب قرار می‌دهد. حسینی، در اشعارش، سوژه انتقادی نگرش خود را هرچه برجسته‌تر نشان می‌دهد و، با نگاهی روشنفکرانه، گفتمان انتقادی خود را مطرح می‌کند. هرچند سیدحسن حسینی با نام «شاعر انقلاب اسلامی» مورد توجه پژوهشگران شعر و ادبیات معاصر قرار گرفته، و پژوهش‌های متعددی هم در باب شعر و اندیشه و جهان‌بینی او به انجام رسیده، تاکنون در زمینه تحلیل انتقادی گفتمان اشعار او بر پایه نظریه نورمن فرکلاف پژوهشی مستقل صورت نگرفته‌است؛ و پژوهش حاضر اولین پژوهش در زمینه تحلیل گفتمانی شعر حسینی است.

۱-۵. پژوهش‌ها در زمینه تحلیل انتقادی گفتمان

پژوهش‌ها در زمینه رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فراوان است. در ادامه، به ذکر مهم‌ترین‌هاشان بسنده می‌شود.

نورمن فرکلاف، در کتاب تحلیل انتقادی گفتمان، که در ۱۳۷۹ به‌همت فاطمه شایسته‌پیران و همکاران او ترجمه شده، مجموعه مقالاتی را جمع‌آوری کرده که در فاصله سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲ م نوشته و منتشر ساخته‌است. در رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، سه سطح «کنش متنی» و «کنش گفتمانی» و «کنش اجتماعی» وظیفه تحلیل رخداد ارتباطی متن را بر عهده دارند. سطح کنش متنی به توصیف زبانی متن می‌پردازد؛ سطح گفتمانی گفتمان‌ها و گونه‌هایی را بررسی می‌کند

که در تولید و مصرفِ متن دخیل اند؛ و سطح کنش اجتماعی نیز توضیح و چرایی رابطه بین عناصر گفتمان و اجتماع را می‌سنبجد.

پریسا صالحی و ناصر نیکوبخت، در مقاله «واژه‌گزینی‌های شعری قیصر امین‌پور از منظر تحلیل گفتمان انتقادی» (پژوهش زبان و ادبیات فارسی، بهار ۱۳۹۱)، پس از مطالعه آثار شعری امین‌پور از دیدگاه تاریخی و سیاسی و اجتماعیِ زمانه، واژه‌های اشعار او را در سه سطح توصیف و تفسیر و تبیین بررسی کرده‌اند؛ با این هدف که با استفاده از تحلیل انتقادی گفتمان، و در نتیجه آشکار شدن لایه‌های معنایی واژگان، بتوان به نگرش فکری شاعر نزدیک شد.

۲-۵. پژوهش‌ها در زمینه شعر سیدحسن حسینی

اشعار و آثار سیدحسن حسینی، به دلیل دارا بودن ظرفیت بحث و بررسی در زمینه‌های گوناگون ادبی، همواره نظر منتقدان و ادب‌پژوهان متعددی را جلب کرده و از دیدگاه‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه، به شماری از این پژوهش‌ها خواهیم پرداخت. گفتنی است که در هیچ‌یک از آن‌ها مستقلاً به موضوع پژوهش ما، که براساس نظریه گفتمان نورمن فرکلاف است، پرداخته نشده و —چنان‌که پیش‌تر هم گفتیم— این مقاله نخستین تحقیق در این زمینه است. نجمه حیدری نسب و علیرضا فولادی، در مقاله «بررسی گونه‌ها، شگردها و درون‌مایه‌های طنز در آثار سیدحسن حسینی: نوش‌داروی طرح ژنریک، براده‌ها، و فستیوال خنجر» (پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، بهار و تابستان ۱۳۹۸) چنین نتیجه می‌گیرند:

طنزهای این سه کتاب، بیشتر، طنزهای نمایشی با استفاده از شگردهای اغراق و ته‌گم به‌ویژه طنزهای شعری با استفاده از شگردهای تشبیه و استعاره است. به‌علاوه، پُرسامدترین درون‌مایه طنزهای حسینی را انتقاد فرهنگی در زمینه هنر و نیز انتقاد اجتماعی در زمینه اقتصاد تشکیل داده‌اند. (ص ۱۰۱)

محسن ذوالفقاری و همکارانش، در مقاله «فضاسازی واژگانی در شعر انقلاب؛ با تأکید بر شعر سیدحسن حسینی» (نشریه ادبیات پایداری، بهار و تابستان ۱۳۹۴)، نقش واژه‌ها را در فضاسازی و ایجاد سبک شعر حسینی بررسی و خاطر نشان کرده‌اند که

وی، برای خلق فضاهای شعری خود، از کارکردهای گوناگون واژه، مثل تلفیق ژانرهای مختلف [...]. ایجاد تقابل‌ها، ایجاد تناسب‌های معنایی و لفظی، موسیقی تکرارها، رفتارهای دستوری خاص با واژه، کاربرد صفت بیانی رنگ‌ها متناسب با فضاهای شعری و...، [بهره برده و] توانسته فضاهای منسجم و متنوعی را با سبکی خاص به اقتضای موضوع بر شعر خویش بگستراند و، در نهایت، این فضاسازی موجب تجسم عینی تجربه و افزایش نیرو در القای عاطفه و معنا در مخاطب شده است. (ص ۱۲۳-۱۲۴)

فاطمه معین‌الدینی، در مقاله «جلوه‌های رمانتیسیم در شعرهای مقاومت سیدحسن حسینی» (پژوهشنامه ادب غنایی، بهار و تابستان ۱۳۹۱)، می‌نویسد:

حسینی، در سایه اعتقادات مذهبی [و] آرمان‌های انقلابی و تعهدات اجتماعی خویش، اندیشه‌ها و مضامین رمانتیکی را تعالی بخشیده [...] حسینی رمانتیسمی انتقادی - اجتماعی دارد. این مقاله، به‌روش تحلیل محتوا، به بررسی جلوه‌های این مکتب ادبی در شعر شاعر می‌پردازد. (ص ۱۶۷)

۶. بحث و تحلیل داده‌ها

۱-۶. نگاهی به زندگی سیدحسن حسینی

سیدحسن حسینی، در فروردین ۱۳۳۵، در تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند. در ۱۳۵۳ دیپلم طبیعی گرفت. نوشته‌ها و سروده‌های او در برخی نشریات ادبی قبل از انقلاب، نظیر فردوسی، منتشر می‌شد. در ۱۳۵۸، در مقطع کارشناسی رشته تغذیه، از دانشگاه فردوسی مشهد فارغ‌التحصیل و همان سال به حوزه اندیشه و هنر اسلامی راه یافت و، به‌همراه چند تن از ادیبان و هنرمندان، فعالیت‌های هنری و ادبی حوزه را راه‌اندازی کرد. او، همچنین، به دریافت دکترای زبان و ادبیات فارسی نائل آمد. حسینی، سرانجام، در نهم فروردین ۱۳۸۳ و در چهل و هشت سالگی، بر اثر سکته قلبی درگذشت.

۲-۶. آثار سیدحسن حسینی

تلاش‌های سیدحسن حسینی، در کوتاه‌سرایی، در چند مجموعه شعر او دیده می‌شود: همصدا با حلق اسماعیل (۱۳۶۳)؛ براده‌ها (مجموعه‌ای از تأملات اجتماعی و ادبی؛ ۱۳۶۵)؛ نوش داروی طرح ژنریک (شعر طنز؛ ۱۳۸۵). حسینی در ترجمه نیز به کوتاه‌نویسی اهتمام داشته؛ از جمله حمام روح (۱۳۶۴) که ترجمه گزیده‌ای از آثار جبران خلیل جبران است. حسینی، از ۱۳۵۵، به شعر کوتاه روی آورد. در همصدا با حلق اسماعیل (با عنوان فرعی «چندین شعر کوتاه با عنوان شب‌سروده‌ها؛ شعرهای پیش از انقلاب») چنین آمده:

در این حصار کهنه اجدادی

با اینکه خواب

مرهم صد زخم کهنه است

با لای‌لای دایه شب

هرگز

خوابم نمی‌برد. (حسینی ۲، ص ۹۰)

حسینی این رویکرد را، با سرودن دوبیتی و رباعی (از قالب‌های شعر کوتاه سنتی)، در سال‌های آغازین انقلاب ادامه داد و به شعر کوتاه نیمایی رسید. این گونه شعرهای او در نوش داروی طرح ژنریک گرد آمده است و بعدتر بدان خواهیم پرداخت.

۳-۶. نگاهی به اوضاع سیاسی-اجتماعی روزگار سیدحسن حسینی

از دهه سی به این سو، رویدادهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی فراوانی در کشور ما اتفاق افتاده که در خلق شعر مؤثر بوده است. افسردگی ناشی از کودتای ۲۸ مرداد، در میان اهالی فرهنگ و هنر، تا سال‌ها ادامه داشت و به آغاز فصلی نو در تولیدهای ادبی ایران منجر شد. نیمه اول سده حاضر، تا وقوع انقلاب اسلامی و پس از آن، پُر از رویدادهای بزرگ و سرنوشت‌ساز برای ایران بوده است و همه این تحولات و جریان‌ها بر شعر سیدحسن حسینی نیز تأثیر گذاشته؛ و چه بسا او هم مانند دیگر شاعران بر مسیر این تحولات تأثیری، هرچند کوچک، گذاشته باشد. اما مهم این است که حسینی در دوره‌ای پرتلاطم از تاریخ ایران زندگی کرده و بالطبع شعر او شعری اجتماعی و متأثر از عوامل اجتماعی است؛ موضوعی که شعر حسینی را، از لحاظ بررسی تحلیل انتقادی گفتمان، مستعد تحلیلی اجتماعی-انتقادی می‌کند. شعر کوتاه «نفرین»، که در ۱۳۵۵ سروده شده، نشان‌دهنده نگاه انتقادی اوست:

فانوس بود و من

در رهگذار باد

من در امان و باد او را امان نداد

نفرین آخرش آید مرا به یاد

فانوس خفت و به من گفت: «شب به خیر!». (همان، ص ۸۶)

به گفته حسینی،

انقلاب اسلامی رویدادی بسیار بزرگ، فراگیر، و همه‌جانبه بود که در زمان کوتاهی پس از پیروزی با حادثه‌ای دیگر - جنگ هشت‌ساله - رویه‌رو شد؛ که آن حادثه نیز رخدادی بسیار تکان‌دهنده و پرتأثیر بود [...]. این دو حادثه عظیم دورانی پُر از شور و التهاب و تلاطم در جامعه ایرانی پدید آورد که در همه ارکان فرهنگی، هنری، اجتماعی و... تأثیر گذاشت و همه نهادهای اجتماعی را به خود مشغول کرد. (حسینی، ص ۶۲-۶۵)

سال‌های اولیه انقلاب گذشته است و ایران درگیر جنگی نابرابر در سطح بین‌المللی است؛ شاعر نیز باید به رسالت خود عمل کند. انتشار مجموعه شعر همصدا با خلق اسماعیل در ۱۳۶۳ و

گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس (انتخاب و توضیح و نقد شعر) در ۱۳۸۷ بیانگر درهم تنیدگی باورمندی حسینی و ذوق اوست. مصداق آن نیز سروده‌های انقلابی شاعر است که، ضمن نکوهش دشمن، ایستادگی و پایداری را در مقابل دشمن متعرض لازم می‌شمرد؛ شعر «ایثار» اوست:

دلا دیدی آن عاشقان را؟

جهانی رهایی در آوازشان بود.

و در بند حتی

قفس شرمگین از شکوفایی شوق پروازشان بود:

پیام‌آورانی که در قتلگاه ترنم

سرودن — علی‌رغم زنجیر —

اعجازشان بود.

به سرسبزی نخل ایثار

به این آیه‌های تناور

دلا، گر نه‌ای سنگ،

ایمان بیاور. (حسینی ۲، ص ۳۲)

در این پژوهش، انتخاب شعرهای کوتاه سیدحسن حسینی با هدف تحلیل انتقادی گفتمان صرفاً از سر ذوق نبوده؛ بلکه اهمیت خود شعرها به لحاظ بهره‌مندی از درون‌مایه‌های اجتماعی و فرهنگی و همچنین موقعیت شاعرشان، به مثابه یکی از شاعران انقلابی و منتقد، ما را بر آن واداشته است؛ به ویژه اینکه حسینی، به نوعی، نماینده مردم انقلابی و تفکر آنان در روزگار خود است و شعر او تاندازه‌ای می‌تواند ما را به تفکر غالب روزگارمان رهنمون شود.

۴-۶. تحلیل انتقادی گفتمان شعرهای سیدحسن حسینی

در این مقاله، شماری از شعرهای حسینی، بر اساس تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، در سه سطح (توصیف، تفسیر، و تحلیل) بررسی شده است. ما، در تحلیل گفتمان، بر آنیم نشان دهیم متن نتیجه یک عمل گفتمانی است و آن عمل گفتمانی نیز به یک عمل اجتماعی وصل است. اینجاست که به اهمیت تحلیل‌های متنی در پژوهش‌های علوم انسانی و زبان‌شناسی پی می‌بریم. به باور فرکلاف نیز،

در چهارچوب تحلیل گفتمان، به چهار دلیل، باید به تحلیل متن عنایت بیشتری شود: یکی دلیل نظری است؛ دو دیگر دلیل روش‌شناختی؛ سپس تاریخی؛ و در فرجام دلیل سیاسی. دلیل نظری این است که ساختارهای اجتماعی، که در مرکز توجه بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی با علایق کلان اجتماعی

قرار دارد، با عمل اجتماعی رابطه تعاملی دارد؛ به گونه‌ای که ساختارهای اجتماعی هم شرط و منشأ عمل اجتماعی‌اند و هم ساخته آن. [...] متن‌ها یکی از شکل‌های مهم عمل اجتماعی‌اند؛ [...] دلیل روش‌شناختی هم این است که متن‌ها منابع اصلی شواهدی هستند که ادعای ما درباره ساختارها، روابط، و فرایندهای اجتماعی بر مبنای آن‌ها بنا گذاشته می‌شود. شواهدی که ما برای این مفاهیم و ساخت‌ها در دست داریم از اشکال گوناگون عمل اجتماعی، و از جمله متن‌ها، به دست می‌آید. [...] دلیل تاریخی این است که متن‌ها نمودارهای حساس فرایندها، حرکت‌ها، و گوناگونی‌های اجتماعی‌اند و تحلیل متنی می‌تواند شاخص‌های کاملاً مناسبی برای تغییرات اجتماعی به دست دهد. [...] دلیل سیاسی خصوصاً به آن دسته از علوم اجتماعی که اهداف انتقادی دارند مربوط می‌شود. سلطه و کنترل اجتماعی، بیش از پیش، از طریق متن‌ها اعمال می‌شود. بنابراین، تحلیل‌های متنی، به عنوان بخشی از تحلیل انتقادی گفتمان، منبع سیاسی مهمی است؛ به عنوان مثال، در ارتباط با تلاش‌هایی که در جهت گنجاندن آگاهی انتقادی به زبان به مثابه یکی از موارد اجتناب‌ناپذیر در آموزش زبان صورت می‌گیرد. (فرکلاف، ۱۵۴-۱۵۶)

۵-۶. تأثیر زبان و ذهنیت سیدحسن حسینی در شکل‌گیری گفتمان‌های حاکم بر شعر

به گفته ذوالفقاری، در مقاله «فضاسازی واژگانی در شعر انقلاب»، «حسینی، به اقتضای مضامین، مفاهیم، ذهنیات، عواطف و تعهدگرایی خود، به قدرت القایی واژگان و به کارگیری نیروی آن‌ها در ساخت فضا توجه نشان داده است» (ذوالفقاری، ص ۱۳۰). واژه‌ها قدرت خارق‌العاده‌ای دارند و نوع اندیشه حاکم بر متن را تعیین می‌کنند. سیدحسن حسینی، در حوزه پژوهش، نقد ادبی، شعر سنتی، دوبیتی، و شعر سپید و بی‌وزن، در موضوع‌های مذهبی و حوزه طنز، که همه در شمار تولیدات متنی‌اند، آثاری مهم برجای گذاشته است. او، حتی در محاوره‌های روزانه، رگه‌هایی از طنز و حرف‌هایی اصطلاحاً نوش‌دار و نیش‌دار به کار می‌برد. کاربرد کلمات و حتی اصطلاحاتی با معانی خاص، که از ارتباط جامعه و ایدئولوژی و زبان حاصل شده است، در هر سبک ادبی (اعم از شعر و نثر یا هر متن دیگری) و هر گفتمانی می‌تواند متفاوت باشد. شعر «محال» حسینی بازتاب‌دهنده عقیده او درباره انقلاب است به زبانی طنزآمیز:

با مدعی محال است اسرار عشق گفتن

چونان که با تقلاً

در کیسه زباله خورشید را نهفتن! (حسینی ۱، ص ۷۳)

حسینی، پیش از انتشار نوش‌داروی طرح ژنریک، مجموعه براده‌ها را منتشر کرد که کوتاه‌نوشته‌های اوست در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی: مجموعه‌ای از تأملات اجتماعی و نقد ادبی با موضوعاتی چون هنر، هنرمند و نقد هنری، شعر و شاعران و

نوش داروی طرح ژنریک (تهران، ۱۳۸۳) مشتمل بر اشعاری است مستقل و به هم پیوسته، در قالب نیمایی، و به زبانی ساده و طنزی تلخ. تناسب‌های لفظی و معنوی، ابهام و ابهام، کاربرد هوشمندانه قافیه، ایجاز، و نیز بهره‌گیری از واژه‌ها و ترکیب‌های عامیانه و روزمره از ویژگی‌های عمده این مجموعه است. حسینی، خود، در معرفی آن می‌نویسد:

سروده‌های مستقل و در عین حال به هم پیوسته‌ای که در ادامه می‌آید حاصل یک دوره چندروزه است؛ تلاشی است برای گنجاندن طنز در قالب نیمایی [...] . سراینده خود پیشاپیش معترف است که، در این شعرها، دوغ و دوشاب به گونه‌ای از همزیستی مسالمت‌آمیز دست یافته‌اند. (همان، ص ۱۹)

حسینی، به رغم تمام ناامیدی‌هایی که از بهبود اوضاع اجتماعی-اقتصادی دارد و از فقر فرهنگی توده‌های مردم و منفعل بودنشان شاکی است، با به کارگیری همین زبان محاوره در اشعارش نشان می‌دهد که از تغییر وضع موجود، یکسره، قطع امید نکرده است:

در موج‌خیز اندوه

دل کشتی نجات است

ای باد شرطه برخیز. (همان، ص ۷۳)

بهره‌بردن از ایجاز، صفات ملموس، افعال ماضی کمتر و افعال آینده بیشتر (گویی شاعر چشم به آینده دوخته و منتظر تغییر در فرداهای زندگی مردم است) و نیز توجه به عینی‌سازی هویت‌های موجود در شعر را می‌توان تلاش شاعر در جهت ایجاد رابطه تعامل گرایانه میان کنش گفتمانی و کنش اجتماعی حاکم بر شعر خود دانست. حسینی، در شعر «اثبات»، این پیوند را این گونه خلق کرده:

جمع درباره اثبات وجود ازل گپ می‌زد

ژنده‌پوشی طلب برهان کرد

شاعری شعری گفت

عاشقی آه کشید

عارفی هوهو کرد

تاجری دسته‌چکش را رو کرد. (همان، ص ۳۹)

بررسی ساختار زبانی اشعار سیدحسن حسینی در سطح متنی (توصیف) و تحلیل انتقادی گفتمان را می‌توان در تلاش او برای تغییر اوضاع اجتماعی و تأثیر بر آن مشاهده کرد. از این رو، به گفته نیکوبخت،

ذکر نمونه‌هایی از کلمات کنایه‌آمیز و آرایه‌های ادبی -نظیر مجاز، تشبیه و استعاره- و همچنین کلمات ابیات با بار ارزشی مثبت یا منفی [و] از همه مهم‌تر نوع منحصر به فرد زبان طنزآمیز اوست که به زندگی

روزمرة مردم نزدیک می شود و سعی بر آن دارد که زبان تأثیرگذاری را در تدوین گفتمان های موجود در شعرش اعمال کند. (نیکو بخت، ص ۸۴)

در ادامه، با توجه به تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، به تحلیل گفتمان حاکم بر نه شعر کوتاه از سید حسن حسینی در سه سطح توصیف و تفسیر و تبیین می پردازیم که در دهه هفتاد سروده و چندین سال بعد منتشر شده است. معیار نگارندگان این مقاله در انتخاب اشعار، از میان مجموعه های شعر حسینی، تقسیم بندی ای است که در باب شعر او قائل شده اند. به نظر می رسد می توان اشعار حسینی را، به لحاظ تاریخی، به دو دوره آغاز انقلاب تا پایان جنگ (۱۳۵۷-۱۳۶۷) و پس از جنگ تا سال مرگ شاعر (۱۳۶۷-۱۳۸۳) تقسیم کرد. گفتنی است برخی آثار حسینی پس از درگذشت او به چاپ رسیده. به لحاظ شرایط سیاسی-اجتماعی حاکم بر دوره اول، شعرهای آیینی حسینی و سروده هایش در باب دفاع مقدس سرشار از حس برانگیختگی و غرور ملی و شکوه مذهبی است. ذهن خلاق شاعر، در دوره دوم، نمود بیشتری یافت و به فوران احساسات او در سرودن موضوعات فرهنگی و اجتماعی انجامید؛ چنان که مخاطب شعر حسینی بهتر می تواند با زبان و بیان شاعر و دردهای نهفته در شعر او ارتباط یابد. در دوره دوم، اگرچه حسینی اشعار قوی و زیبای فراوانی دارد، گویی زبان شعری او در دوره اول به زبان عامه نزدیک تر است؛ این در حالی است که، در دوره دوم، شاعر حالات درونی و گاه عصیانگر خود را بیشتر بروز می دهد و گویی مخاطب شعرش خود اوست. در مجموع، سید حسن حسینی، با احتساب چند سال فعالیت شعری در پیش از انقلاب و پس از آن تا سال درگذشتش، سی سال در عرصه شعر معاصر حضور داشته؛ اما در برهه دوم شاعری اش گویی در دل مردم است و برای آن ها می سراید و زبان رسای معضلات جامعه شده است.

۷- تحلیل انتقادی گفتمان نوش/رویی طرح ژنریک

دلیل انتخاب این نه شعر ترسیم توأمان فضای ملموس و متوهم آن به اقتضای اوضاع حاکم بر دوره شاعر است:

شاعری وارد دانشکده شد

دم در

ذوق خود را به «نگهبانی» داد. (حسینی ۱، ص ۲۳)

شاعری

وام گرفت

شعرش آرام گرفت! (همان، ص ۲۵)

شاعر تشنه
ز دریا می‌گفت
اهل بیت سخنش را
به اسارت بردند! (همان، ص ۲۶)

شاعری شعر جهانی می‌گفت
هم بدان‌گونه که می‌افتد و دانی می‌گفت. (همان، ص ۵۳)

شاعری شایعه بود
نقد تکذیبش کرد! (همان، ص ۲۷)

تاجری سر می‌رفت
شاعری حل می‌شد
ناقدی نیزه به دست
در المپیک غم اول می‌شد. (همان، ص ۳۱)

شاعری خم می‌شد
منشی قبله عالم می‌شد! (همان، ص ۳۷)

شاعری نی می‌زد
عارفی می‌نالید
زاهدی بست پیایی می‌زد! (همان، ص ۵۰)

تاجری مجلس تفسیر گذاشت
ابتدا فاتحه بر قرآن خواند! (همان، ص ۳۰)

۱-۷. کنش متنی (توصیف)

چنان‌که حسینی خود در مقدمه نوش‌داروی طرح ژنریک گفته، این نُه شعر کوتاه — که پیش‌تر آوردیم — مولود ضرورت جامعه عصر حاضر است و مضامین آن در بردارنده موقعیتی تهدیدکننده است که انسان امروزی، خودخواسته یا ناخواسته، در آن قرار گرفته و راه‌گریزی از آن ندارد. حسینی، در اشعار مزبور، با بهره‌گرفتن از واژه‌ها و ترکیب‌های ساده و روان، می‌کوشد بیشترین تأثیر را بر شنونده بگذارد. می‌توان گفت او به موضوعاتی پرداخته که شاید، تا پیش از این، هیچ شاعری بدان‌ها این‌گونه توجه نداشته است. در ادامه، این شعرهای کوتاه به هم پیوسته را از منظرهای گوناگون تحلیل خواهیم کرد.

ویژگی‌های زبانی- نکات دستوری و آرایه‌های ادبی متون، از نظر فرکلاف، در سطح توصیف متنی تحلیل می‌شوند (فرکلاف، ص ۲۱۷)؛ به این ترتیب، حسینی، با به کارگیری اصول و ابزارهای لازم، کوشیده است باور و گفتمان خاص خود را به وجهی تأثیرگذار و کاربردی نمایان سازد. با درک این سطح از تحلیل می‌توان نشان داد اندیشه‌های حسینی بر ساختی از رابطه زبان و باورهای حاکم بر فضای شعر اوست؛ وقتی بدانیم که

تحلیل ساختار و کارکردهای زبان می‌تواند در خدمت درک بهتر انسان و جامعه انسانی قرار گیرد [و] هر نوع کلام، گفتار، یا نوشتاری اجتماعی است و ماهیت ساختار اجتماعی دارد [و] پیوند معناداری میان ویژگی‌های خاص متون [و] شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد. (فاضلی، ص ۸۵)

همچنین، «در سطح توصیف، ما با سه عنصر واژه‌ها، دستور، و ساخت‌های متنی سروکار داریم» (صالحی و نیکویخت، ص ۹۲). در ادامه، به تحلیل این سه عنصر در سطح توصیف آن نه فقره شعر سیدحسن حسینی خواهیم پرداخت.

الف) واژه‌ها- آوردن کلمات و اصطلاحاتی چون «شاعر»، «ذوق»، «دانشکده»، «نگهبانی»، «وام»، «آرام»، «تشنه»، «اهل بیت»، و «اسارت» تداعی‌کننده فضای تش‌آلودی است که شعر را از حالت سکون خارج می‌کند و این دقیقاً همان زبانی است که شاعر برای بیان افکار خود برگزیده.

در شعر «شاعری وارد دانشکده شد/ دم در/ ذوق خود را به نگهبانی داد» (حسینی، ص ۲۳)، آوردن کلماتی موجز و هم‌بافت شاعر را به هدف خود در ترسیم تصویر مورد نظرش نزدیک کرده و، درواقع، ترسیم کوتا و دانشکده‌ای است و کنایه‌ای است از دانشکده ادبیات، که در سال‌های دهه شصت و هفتاد، همچنان به ادبیات کلاسیک می‌پردازد و پرورش‌دهنده ذوق و هنر شاعری نیست. اوج تقابل‌های حسینی در مجموعه نوش‌داروی طرح ژنریک دیده می‌شود. بیشتر اشعار این مجموعه بر پایه عناصر متقابل قرار گرفته و فضای طنزآلود آن نیز به دلیل هم‌نشینی این عناصر شکل گرفته است: «شاعری اشک نداشت/ و لهذا خندید!». (همان، ص ۴۲)

حسینی، در مجموعه شعر مزبور، سه گونه شخصیت («شاعر»، «زاهد»، و «تاجر») را خلق کرده و آن‌ها را در تقابل با هم قرار داده است. او نوع روابط معنایی بین کلمات را، از طریق تقابل معنایی «شاعر» و «نگهبان»، به هم مرتبط و معنا را به ذهن مخاطب با روشنی و شفافیت منتقل می‌کند.

در شعر «شاعری/ وام گرفت/ شعرش آرام گرفت» (همان، ص ۲۵)، در تقابل دو واژه «وام» و «آرام»، تضادی وجود دارد که نشان‌دهنده باور حسینی است به اینکه هر شاعری از مراکز قدرت وام دریافت کند شعرش دیگر آن بُرندگی انقلابی را ندارد.

در شعر «شاعر تشنه/ ز دریا می‌گفت/ اهل بیت سخنش را/ به اسارت بردند» (همان، ص ۲۶)، واژه‌های «تشنه» و «دریا» و «اهل بیت» و «اسارت» تلمیحی دارند به حوادث پس از عاشورا. در این شعر کوتاه نیز تقابل بین «تشنگی و دریا» و «آزادگی و اسارت» معنایی بینامتنی خلق می‌کند و نقدی است بر شاعر که نباید سخن خود را به صاحبان زور و زور تقدیم کند؛ وگرنه آزادگی شاعرانه را از دست خواهد داد. با تأمل در اشعار سیدحسن حسینی در می‌یابیم که او گونه‌های گفتمانی گوناگونی (گفتمان انقلابی، روشنفکری، و اخلاق‌گرایانه) را شکل داده‌است و هریک از آن‌ها در شعر او در قالب مفاهیم و ساختارهای زبانی ویژه‌ای انعکاس می‌یابد. به عبارتی، چنان‌که فرکلاف می‌گوید، «ویژگی‌های صوری، در قالب زبان، سرنخ‌های لازم را برای یافتن معنای حاکم بر متن به ما می‌دهد» (فرکلاف، ص ۲۱۵). سیدحسن حسینی، با بهره‌بردن از شگردهای ادبی و زیبایی‌شناسی خاص خود، سعی بر آن دارد معنای مورد نظرش را عرضه نماید و، درواقع، این ویژگی نشان‌دهنده قدرت خلاقیت و باورمندی انقلابی ویژه‌ای است که در زبان او نهفته است.

در شعر «شاعری شعر جهانی می‌گفت/ هم بدان‌گونه که می‌افتد و دانی می‌گفت» (حسینی، ص ۵۳)، تعبیر «شعر جهانی» نقد کنایه‌آمیزی است که شاعر بر فضای روشنفکری وارد می‌کند. نیز، به تصریح امینی، در پی آن، با عبارت «چنان‌که می‌افتد و دانی»، ذهن خواننده هوشمند به ایام جوانی می‌رود! و یا در واژه‌های «شاعر»، «شایعه»، «نقد»، و «تکذیب»، با چینش ساده و هنرمندانه کلمات، تعبیری دقیق را بیان می‌کند که برای دوستان شاعر پیداکردن نشانی سرراست آن راحت و آسوده است. (امینی، ص ۲۲)

در شعر «تاجری سر می‌رفت/ شاعری حل می‌شد/ ناقدی نیز به دست/ در المپیک غم اول می‌شد» (حسینی، ص ۲۷)، «تاجر» و «شاعر» و «ناقد» نیز کلماتی‌اند که، در فضای ذهنی شاعر، تصویری کوچک‌شده از جامعه بزرگ ما محسوب می‌شوند. حسینی، با توجه به اوضاع اجتماعی، تاجرها را در تقابل با شاعر قرار می‌دهد که یکی روزبه‌روز فربه‌تر و دیگری در خود ذوب می‌شود و، در این میان، ناقدان ادبی نیز هستند که کسی به بازی‌شان نمی‌گیرد. حسینی، با تیپ‌سازی از افراد جامعه، سلوک و رفتار ریاکاران را در قبال دین و مذهب به سخره می‌گیرد و این کنش را با کمترین تعداد کلمات و ساده‌ترین نشان نشان می‌دهد.

در شعر «تاجری مجلس تفسیر گذاشت/ ابتدا فاتحه بر قرآن خواند» (همان، ص ۳۰)، «تاجر» و «تفسیر» و «فاتحه» و قرآن چهار واژه‌ای است که این حس قدرتمند را در مخاطب قوت می‌بخشد که شاعر چه شخصیتی را آماج طنز خود قرار داده‌است! فاتحه‌خواندن بر قرآن کنایه‌ای است که ذهن طنزپرداز شاعر آن را به خوبی به کار گرفته‌است.

ب) دستور- ویژگی‌های دستوری واجد ارزش‌های بیانی منحصربه‌فردی‌اند. بنا بر تصریح مؤلف کتاب در آمدی به گفتمان‌شناسی،

در مشرب زبان‌شناختی تحلیل گفتمان، سه عامل مهم مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از: (۱) راهبردهای آغازگری؛ (۲) بافت توزیع اطلاعات؛ (۳) تمهیدات پیوندی. بسته به نوع گفتمان -یعنی اینکه گوینده یا نویسنده کیست، شنونده یا خواننده کیست، هدف گفتار یا نوشتار چیست، چه می‌خواهد گفته شود یا نوشته شود و غیره- متن سازمان‌بندی خاصی پیدا می‌کند که می‌شود ویژگی‌های آن را از طریق این سه عامل بررسی کرد. در قسمت تمهیدات پیوندی می‌بینیم که عواملی مانند ارجاع، جانمایی، حذف به قرینه، ربط، و عوامل واژگانی به متن انسجام می‌بخشند؛ ازجمله اینکه، در شعر، عامل پیوند واژگانی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و، همچنین، در شناخت ویژگی‌های سبک‌های مختلف یک زبان و یا گونه‌های مختلف نوشتار در زبان‌های گونه‌گون، می‌شود از آن به‌خوبی بهره گرفت. (پارمحمّدی، ص ۵۷)

در اینجا باید به ارزش‌های پیوندی متن نیز اشاره‌ای کرد؛ برای مثال، در شعر کوتاه «شاعری خم می‌شد/ منشی قبله عالم می‌شد» (حسینی ۱، ص ۳۷)، کلمات «خم» و «قبله» و «قبله عالم»، آشکارا و نهان، همدیگر را در متن حمایت می‌کنند تا متن از انسجام لازم برخوردار شود. یا، در شعر «تاجری سر می‌رفت/ شاعری حل می‌شد/ ناقدی نیزه به دست/ در المپیک غم اول می‌شد» (همان، ص ۳۱)، دو ترکیب «سرفتن» و «حل شدن»، از سویی، و سه کلمه «نیزه» و «المپیک» و «اول»، از دیگر سو، دست به دست هم می‌دهند و شکل منسجمی از شعر را عرضه می‌کنند. تشبیه ضمنی «قلم ناقد» به «نیزه» نیز طنز کلام را به اوج می‌رساند.

علاقه عقیدتی سیدحسن حسینی موجب شده است که، در شعرهایش، «حکم یقینی» صادر کند و این از نوع فعل‌هایی مشخص می‌شود که به کار برده است. او از افعال ماضی استفاده کرده است که از وقوع حتمی امری در گذشته خبر می‌دهند: «شد»، «داد»، «گرفت»، «خواند»، «کرد»، «گذاشت»، «می‌زد»، «می‌شد»، «می‌نالید»، «می‌رفت». همه این فعل‌ها نشان از یقین دارد، زیرا شاعر به آنچه می‌گوید ایمان دارد و چنین است که روح حاکم بر شعرها را برجسته می‌کند.

در سطح جمله، با جمله‌های کوتاه روبه‌رویم: «شاعری وارد دانشکده شد»؛ «شاعری وام گرفت»؛ و «شاعری تشنه ز دریا می‌گفت». گویی ما نیز در مقام مخاطب باید، شتابان، منتظر جمله کوتاه بعدی باشیم که معنا را شکل دهد. ترجیح حسینی آن است که، در این کوتاه‌سروده‌های انتقادی، از ابهام دوری گزیند و، چون فضای شعر توصیفی است، از وجه خبری استفاده کرده است.

ج) ساخت‌های متنی- شعر «نوش‌داروی طرح ژنریک»، به لحاظ صوری، روایی است. حسینی داستانی بسیار کوتاه را روایت می‌کند و روایت او حول محور «شاعر» می‌گردد که در آزمون

شرکت کرده و قبول شده و به دانشکده ادبیات آمده اما، چون درس‌ها روح خلّاقی او را سیراب نمی‌کند، سرخورده شده است. همچنین است دو پاره بعدی، یعنی «شاعری وام گرفت/ شعرش آرام گرفت» و «شاعری خم می‌شد/ منشی قیله عالم می‌شد»، که هر دو روایتی است از زندگی شاعری که آزادی خود را از کف داده و شعرش، در دل و جان مردم و مخاطبان، اثر لازم را نمی‌گذارد. بنابراین، ما با خواندن شعر درمی‌یابیم این روایت نوعی روایت دوگانه است میان شاعر و محیط درس او که ذوق‌پرور نیست. حسینی روایاتش را با تصویرهایی ملموس و با نگاهی ستیهنده ترسیم کرده است. در این شعر چندصدایی، گفتگوی شخصیت‌ها نیز به نوعی طرّاحی شده است اما این قالب در شعرهای کوتاه حسینی نیامده و خواننده باید، با تخیل خود، آن را بازآفرینی کند. روایت‌های شاعرانه را براساس این الگو می‌توان نشان داد. در شعر کوتاه «شاعری شعر جهانی می‌گفت/ هم بدان‌گونه که می‌افتد و دانی می‌گفت» (همان، ص ۵۴)، درحقیقت، به گفته امینی،

از تلمیح به سخن سعدی در گلستان برای طعنه زدن به «شاعر شعر جهانی» استفاده شده است. [...] و باید سخن سعدی را در گلستان بازخوانیم تا طنز و تعریض نهفته در این شعر آشکارتر شود: «در عنوان جوانی، چنان که افتد و دانی، با شاهدپسری سری و سُرّی داشتم ...». (امینی، ص ۲۲-۲۳)

در شعر کوتاه «شاعری شایعه بود/ نقد تکذیبش کرد» (حسینی ۱، ص ۲۷)، سخن از آن است که شاعرانی متوسط عرصه کتاب و مطبوعات را به دست گرفته‌اند و میان‌داری می‌کنند، اما نقد باعث آشکار شدن بی‌ارزشی متاع آنان می‌شود. شاعر و ناقد مشارکان این ماجراوند و نقش زبان نیز به روشنی پیداست. تقابل «شایعه» و «تکذیب» نیز، در نهایت، زیر سؤال بردن کیفیت هنر شاعری شاعر مدّعی است.

۲-۷. سطح کنش گفتمانی (تفسیر)

از نظر فرکلاف، «ویژگی‌های صوری‌ای که بیشتر با نام دانش زبانی شناخته می‌شود به مثابه ردّ پا و سرنخ‌هایی هستند که عناصر زمینه‌ای ذهن مفسّر را شکل می‌دهند و زمینه را برای ایجاد تحلیل فراهم می‌کنند» (فرکلاف، ص ۲۱۵). بنابراین، ما، در سطح تفسیر، به دنبال دو موضوعیم: «بافت زمینه‌ای» و «بافت گفتمانی». در بافت زمینه‌ای باید گفت که ده سال از انقلاب اسلامی گذشته و سیدحسن حسینی، با همان روح ستیهنده‌ای که از او سراغ داشتیم، رفتارها و ناهنجاری‌هایی را در میان شاعران شاهد بوده است که به مذاقش خوش نیامده و عاطفه سرشارش را آزرده. سرنخ‌هایی نیز که در این شعرها وجود دارد به ما نشان می‌دهد جامعه از این‌گونه شخصیت‌ها بسیار دارد و روح شاعر را می‌آزرده. حسینی،

با بهره‌گرفتن از کنایه و تلمیح و مجاز و استعاره، و در نهایت در پیچیدن این ویژگی‌های زبانی با طنز، زیرساخت حاکم بر جامعه را افشا می‌کند. به تعبیری،

روح حساس شاعر انقلاب تغییرات فرهنگی جامعه ایرانی را با نظام سرمایه‌داری، حرص و طمع به مادیات، هرج و مرج فرهنگی-اجتماعی، و تغییرات اخلاقی نمی‌پذیرد؛ از محیط خود سرخورده می‌شود و، با یاری‌گرفتن از کلمات، معناهای مورد نظر خود را با نگرشی طنزآمیز به شعر درمی‌آورد. (معین‌الدینی، ص ۱۷۹)

در شعر «شاعری نی می‌زد/ عارفی می‌نالید/ زاهدی بست پیایی می‌زد» (حسینی ۱، ص ۵۰)، شاعر به‌خوبی وضعیت اخلاقی و ناهنجاری جامعه را پیش چشم مجسم می‌کند. ردّ پاهای به‌روشنی در شعرهای کوتاه و پُرشتاب حسینی نمایان است. «شاعر» و «عارف» و «زاهد»، هرکدام، در این شعر نقشی به‌عهده دارند که همه نشان از انحطاط و تنزل از مقام شریف انسانیت و صفات حمیده آن‌هاست. بافت گفتمانی حاکم بر این شعرهای کوتاه اخلاق‌گرایانه و حتی می‌توان گفت مذهبی و، به‌یقین، درون‌مایه حاکم بر همه آن‌ها انقلابی است.

۳-۷. سطح کنش اجتماعی (تبیین)

از نظر فرکلاف، «با بهره‌گیری از جنبه‌های گوناگون دانش زمینه‌ای (ادبیات، بلاغت، و زبان‌شناسی)، به‌عنوان شیوه‌هایی برای تفسیر، می‌توان از مرحله تفسیر به مرحله تبیین رسید» (فرکلاف، ص ۲۴۵). در سطح سوم، ما به دنبال تبیین یک مسئله اجتماعی هستیم. فرکلاف همچنین می‌گوید:

یکی از اساسی‌ترین سؤال‌هایی که در سطح تبیین مطرح است این است که شعر در چه گفتمانی و چه زمینه‌ای تولید می‌شود؟ و اینکه واژه‌ها، در سطح متن و ژانر، چه هویتی را نشانه می‌گیرد (موضع‌گیری‌شان راجع به مردم و مسائل اجتماعی چیست) و اینکه گفتمان شکل‌گرفته در درون چه ساختار اجتماعی شکل می‌گیرد و چه بیان ایدئولوژیکی دارد؟ به عبارتی، گفتمان حاکم بر متن در درون چه ساختار اجتماعی و نهادی حضور دارد؛ یعنی گفتمان حاوی کدام ساختار اجتماعی است؟ در پاسخ باید گفت که این ساختار اجتماعی یک ساختار جنسیتی، طبقاتی، قومیتی-نژادی است و این ساختار مرتبط است با فروپاشی بافت فرهنگی و گذر از جامعه سنتی. (همان‌جا)

در شعر «سؤال»، نوع گفتمان اجتماعی حاکم بر شعر حسینی بازتاب یافته است:

این گریه‌آور است

در فصل جوشش صد چشمه زلال

جمعی ز تشنگان

به خاطره آب دل خوشند

این خنده‌دار نیست؟

هنگام فجر و رویش خورشید بی زوال

بوزینگان به کرمک شب تاب دل خوشند. (حسینی ۲، ص ۴۶)

حسینی، در مجموعه شعرهای اولش، تحت تأثیر فضای جنگ، تماماً در هیئت شاعری عمل می‌کند که به محیط اجتماعی خود واکنش نشان می‌دهد و چنین است که

او را شاعری متعهد و آگاه و شعرهایش را از بهترین و دل‌نشین‌ترین شعرهای دفاع مقدس و از زیباترین

نمونه‌های تلاش شاعران انقلاب در به تصویر کشیدن جلوه‌های خون و شرف، عشق و حماسه، و

ایمان و اعتقاد رزمندگان جبهه‌های حق و عدالت دانسته‌اند. (ترابی، ص ۶۳)

شعر «قطعه شهدا» مصداقی است از توجه شاعر به فضای حاکم بر جامعه:

گفتم این سخنوران که بی صدا غنوده‌اند

و چه خوب و خواندنی سروده‌اند

قطعه‌ای بلیغ و ناب

جاودان سروده‌ای به رنگ عشق و آفتاب

قطعه‌ای که هیچ شاعری نگفت

بهترین ترانه‌ای که گوش آسمان شنفت ...! (حسینی ۲، ص ۷۸)

حسینی، در دوره دوم شاعری و پس از جنگ و اقتضائات جامعه جدید، روی کار آمدن دولت‌های جدید و سیاست‌های باز اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را نیز بر نمی‌تابد و به نقد ارزش‌های جدید می‌پردازد. به گفته ذوالفقاری،

هنر شعر زیبایی و اهمیت آن را در مقابل ارزش و اعتبار مادی و قیمت و بهای تجارت می‌آورد. در این

شعر، «تاجر» نماینده قشری از مردم است که جز پول و سودای پول هدف دیگری ندارند. مضمون

«شاعر»، که در تقابل با «تاجر» مطرح شده است، اشارتگر هدفی مجرّد و مقدّس است که، جز

بارهایی از تمام قید و بندهای معمول زندگی، دست‌یافتنی نخواهد شد. (ذوالفقاری، ص ۱۳۳)

ایران، در دهه هفتاد و سال‌های پس از آن، در معرض تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی قرار گرفته بود؛ موضوعی که باعث شد بسیاری از شاعران و نویسندگان به نقد آن گسست و عواملش بپردازند و خواستار بهبود اوضاع شوند. اساسی‌ترین شکل نقد آن‌ها گفتمان انقلابی و گاه اخلاق‌گرایانه، با توسل به طنز، بود. باید گفت که، در واقع، ایجاد همین گسست‌ها در جامعه تولید چنین گفتمانی را موجب می‌شود و این گفتمان در چنین چارچوبی معنا می‌یابد. نقد اینکه

مادی‌گرایی ارزش شده است دغدغه شکل‌یافتن فضای شعرهای کوتاه و جان‌دار حسینی است. او، در شعر «سلاح خودکار»، این‌گونه شخصیت‌ها را به نقد می‌کشد:

شاعری بارِ امانت نتوانست کشید

تکیه بر بالشی از عرفان داد

تاجری اهل سلوک

با سلاح خودکار

پای منقل جان داد. (حسینی ۱، ص ۴۷)

نتیجه

تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی میان‌رشته‌ای است که ریشه در زبان‌شناسی دارد. در تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، متن در سه سطح بررسی می‌شود: کنش متنی (توصیف)، کنش گفتمانی (تفسیر)، و کنش اجتماعی (تبیین). در این مقاله، بر مبنای سه سطح مزبور، به تحلیل انتقادی اشعار سیدحسن حسینی پرداخته‌ایم. یافته‌های این پژوهش از این قرار است:

اگرچه حسینی — در سطح متنی — شعرهای فراوانی در قالب‌های گوناگون سنتی منتشر کرده، انس زیاد با ادبیات کهن فارسی شاعر را از تجدّد واقعی باز نداشته و میان اندیشه و عملکردش در شعر فاصله نینداخته است. او همواره طرف‌دار نوآوری و تحوّل است؛ چه در حوزه اجتماعی و چه در حوزه ادبی. و نوآوری‌هایش، هرچند فراگیر نبود، به دلیل برخورداری شاعر از دانش زمینه‌ای و تسلّطش بر زبان عربی و غور در ادبیات دیروز و امروز فارسی، به خلق شعرهایی کوتاه در دوره دوم شاعری او انجامید تا از او به شاعری ابداعگر یاد شود. این خلاقیت را می‌توان در دو مجموعه شعر گنجشگ و جبرئیل و نوش‌داروی طرح ژنریک جستجو کرد.

حسینی، در نوش‌داروی طرح ژنریک، در سطح متن، بسیار دقیق و منسجم عمل کرده است. تقابل واژگانی، در شعرهای این مجموعه، به آفرینش فضایی ملموس از محیط شاعر کمک می‌کند. او، در آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی سطوح واژگانی و معنایی و نحوی، یدی طولاً دارد. کاربرد تشبیهات و استعاره‌های نو و هماهنگ با اوضاع اجتماعی جزء هنر شاعر است و تناسب موسیقایی شعر و محتوا را موجب می‌شود. حسینی موسیقی کناری و درونی و بیرونی (وزن) را هماهنگ با مضمون شعرش آورده است.

در سطح گفتمانی، ویژگی‌های صوری شعر حسینی سر نخ‌های لازم را، جهت انتقال به بافت زمینه‌ای و تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، به خواننده می‌دهد؛ یعنی شاعر توانسته است

میان متن و بافت ارتباط برقرار کند. او شعر خود را در خدمت بیان دردهای مردم جامعه‌اش، به‌ویژه طبقه فرودست، قرار داده‌است. از آنجاکه فکر و سخن شاعر «عملی گفتمانی» محسوب می‌شود، گفتمان‌های حاکم بر شعر حسینی نه براساس اولویت و اهمیت متن بلکه براساس بافت متنی و اوضاع اجتماعی و فرهنگی حاکم بر متن سروده شده‌اند. مفاهیم شعری حسینی را سه گفتمان انقلابی و اجتماعی و مذهبی تشکیل می‌دهند و گفتمان انقلابی در کانون قرار می‌گیرد. در نتیجه، این گفتمان‌ها نشان از تفکر حاکم بر ذهنیت و زبان حسینی دارد.

منابع

- امینی، اسماعیل، «مقدمه» بر فستیوال خنجر ← حسینی (۱)، سیدحسن.
- ترابی، ضیاءالدین، شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس)، سماء قلم، قم ۱۳۸۶.
- حسنلی، کاووس، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، نشر ثالث، چاپ سوم، تهران ۱۳۹۱.
- حسینی (۱)، سیدحسن، فستیوال خنجر (مجموعه اشعار طنز سیدحسن حسینی)، به‌کوشش اسماعیل امینی، شرکت انتشارات سوره مهر، تهران ۱۳۹۳.
- _____ (۲)، نوش‌داروی طرح ژنریک (مجموعه شعر)، شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ هشتم، تهران ۱۳۹۱.
- _____ (۳)، همصدا با خلق اسماعیل، شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ ششم، تهران ۱۳۹۱.
- ذوالفقاری، محسن، «فضاسازی واژگانی در شعر انقلاب»، نشریه ادبیات پایداری (دانشگاه شهید باهنر کرمان)، سال هفتم، ش ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۱۲۳-۱۴۵.
- صالحی، پریرا و ناصر نیکوبخت، «واژه‌گزینی‌های شعری قیصر امین‌پور از منظر تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۴، بهار ۱۳۹۱، ص ۷۵-۹۹.
- فاضلی، محمد، «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی (دانشگاه مازندران)، سال چهارم، ش ۱۴، پاییز ۱۳۸۳، ص ۸۱-۱۰۷.
- فرکلاف، نورمن، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران ۱۳۷۹.
- معین‌الدینی، فاطمه، «جلوه‌های رمانتیسیم در شعرهای مقاومت سیدحسن حسینی»، پژوهشنامه ادب غنایی، سال دهم، ش ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۶۷-۱۸۴.
- یارمحمدی، لطف‌الله، درآمدی به گفتمان‌شناسی، هرمس، تهران ۱۳۹۵.

